



دوران جهاد بحث‌های قومی و زبانی و سنی و مذہبی وجود نداشت همه در کنار هم قرار داشتیم و در مقابل دشمن یک شمشیر واحد بودیم، رمز پیروزی ما در همین مسند نهفته بود.

ابوالحسن یاسر

رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

شماره مسلسل پنجاه و هفتم

چهارشنبه ۹ میزان ۱۳۹۹ * ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰

تدویر جلسه فوق العاده شورای رهبری حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان



جلسه فوق العاده شورای رهبری حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان بعد از ظهر روز یکشنبه ۶ میزان سال ۱۳۹۹ به ریاست محترم استاد ابوالحسن یاسر رئیس و با حضور استاد شاه جهان احمدی معاون و داکتر محمد عارف شاه جهان رئیس شورای تصمیم گیری حزب در حالی که اکثریت اعضای شورای رهبری حضور داشتند برگزار گردید.

در آغاز نشست محترم استاد ابوالحسن یاسر اعضای شورای رهبری را در جریان آخرین تحولات سیاسی و امنیتی کشور به ویژه مذاکرات صلح افغانستان و تشدید جنگ‌های تهاجمی که از سوی طالبان، در اکثریت ولایات کشور جریان دارد قرار دادند و نگرانی خود را از روند کند و بطی این مذاکرات اظهار داشت. استاد یاسر در فرازی از سخنان خود بیان

داشتند: ما هر نوع تفرقه، فزون طلبی، تمامیت خواهی و افراطیت را بشدت محکوم میکنیم و طرفدار تفکر و جریان اعتدال و اتحاد میان مردم مسلمان افغانستان هستیم. همچنان ایشان افزودند منافع ملی ما مقتضی همدیگر پذیری پیروان دو مذهب بزرگ حنفی و جعفری میباشد. استاد ابوالحسن یاسر در بخشی دیگری از صحبت‌های خود فرمودند: ما نسبت به خانواده شهداء بویژه شهدای حرکت اسلامی افغانستان مسئول هستیم و باید به قدر توان و امکانات خود مصدر خدمت به آنها شویم.

سپس روی آجندای این جلسه بحث‌های مبسوط و همه جانبه صورت گرفت و تصمیمی مقتضی پیرامون هریک از موضوعات آجندا گرفته شد. نشست با دعای خیر و تأمین صلح و ثبات پایدار در کشور به پایان رسید.

ریاست دارالانشاء

حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

سخنان حفیظ منصور از وضعیت روند مذاکرات صلح



حفیظ منصور یک تن از روشنفکران دینی و عضو هیأت مذاکره کننده صلح افغانستان در

پاسخ به سئوالی روی موضوع حذف مذهب تشیع در افغانستان دیدگاه خود را چنین بیان داشتند: طالبانیم دارای یک مثلث سه ضلعی است: ۱- ضلع اولش دشمنی با مدرنیسم است. ۲- ضلع دومش را زن ستیزی تشکیل میدهد. ۳- ضلع سومش را شیعه ستیزی.

ما فکر میکردیم که طالبان ممکن است که از گذشته‌ها چیزی آموخته باشد و رسانه‌های غربی هم پیوسته تبلیغ می‌کردند که طالبان عوض شده است با کمال تأسف وقتی که با واقعیت‌ها از نزدیک مواجه شدیم دیدیم که نه هنوز چیزی نیاموخته است هنوز روحیه انحصار طلبی و خودخواهی و حذف دیگران را در سر دارند برای ما اینجا بحث شیعه و سنی مطرح نیست اینجا برای ما احترام به حقوق بشر مطرح است پیروان مذهب جعفری یک بخش بزرگی از مردم افغانستان را تشکیل میدهد و بدون رعایت حقوق قانونی آنها ما نمی‌توانیم چنین تصمیمی را بگیریم حتی اگر فرض کنیم که جمعیت بزرگی نباشد ولو جمعیت کوچکی هم باشد هیچ کسی نه هیئت ما و نه حکومت و نه لوی جرگه و نه هیچ مرجعی دیگر صلاحیت این را ندارد که حقوق بنیادی و اساسی یکی از شهروندان را پایمال بکند.

به بهانه حلق آویز شدن داکتر نجیب

میرالدین شید



طالبان ۲۴ سال پیشتر از امروز در شب پنجم میزان وارد کابل شدند و فردای آن روز نجیب را در جاده آریانا در حالی حلق آویز کردند که یکی از بانکوت‌های افغانی را در دهنش گذاشته بودند. این معنای آن را داشت که نجیب افغانستان را در بدل پول به شوروی پیشین فروخته بود. نجیب از ریاست امنیت جهانی رژیم دست‌نشانده شوروی به مقام ریاست جمهوری رسید و از اعتماد فوق العاده شوروی برخوردار بود. کسانی که در آن زمان زندانی بودند، از ستم و شکنجه‌های نجیب خاتمه‌های زیادی دارند و خوب به یاد دارند که چگونه نجیب مست و نشه با مشاوران شوروی از شماری زندانیان به گونه‌ای خیلی توهین آمیز و دردناک و با تهدیدهای ضد حقوق بشری استنطاق می‌نمود. در هر حال شوروی‌ها یک شبه او را به ارگ کابل بنشانند و کامل را از قدرت خلع کردند. پس از آنکه شوروی نتوانست مجاهدین را شکست بدهد، ناگزیر شد تا نجیب را به مصالحه ملی ترغیب کند و این تلاش‌های نجیب به ثمر نه نشست. بالاخره نیروی شوروی بر بنیاد معاهده ژنیو خلاف توقع نجیب بجای چهار سال بعد دو سال پیشتر افغانستان را در زمان گرباچوف ترک کرد و حکومت نجیب بوسیله مجاهدین سقوط نمود. هرچند نجیب تلاش کرد تا در یک حکومت ائتلافی در قدرت شریک بماند و اما این تلاش‌هایش با شکست کامل طرح بنین سوا ن بی‌ثمر ماند. وی بی‌خبر از رهبران حزبش قصد فرار را داشت و اما به دام افتاد و در دفتر سازمان ملل زندانی شد. او تقاضای احمد شاه مسعود را برای رفتن به پنجشیر رد کرد و در دام ترفند «آی اس آی» اسیر شد. او به وعده استخبارات پاکستان هوای نخست وزیری طالبان را داشت و از همین خاطر به خواست مسعود پاسخ منفی داد. به گفته ثریا بها پول‌های زیادی را از کشور بیرون کرده بود و در مورد خانواده خود نگران نبود.

این خاطرات زمانی در ذهنم خطور کرد که از رسانه‌ها شنیدم عده‌ای از کمونیستان سابق حلق آویز شدن او را می‌خواستند تجلیل کنند اما با مقاومت احزاب جهادی و افکار عمومی مواجه شدند و نتوانستند در تالار لویه جرگه مراسم بزرگداشت را برگزار نمایند. بزرگداشت از نجیب کسی که عامل جنایت‌های بی‌شمار دوران اشغال شوروی است و نه تنها به مردم افغانستان که به حزب خود هم خیانت کرد و بی‌خبر از آنان قصد فرار از کابل را داشت بزرگداشت از او به این حقیقت مهر تأیید گذاشت که در افغانستان زنده خوش نام و مرده بدنام وجود ندارد. بزرگداشت از مرگ و شهادت مردان بزرگ یک وجیهه ملی است و برای جوادانه نگهداشتن کارنامه‌های مردان بزرگ و پاسداری از شخصیت آنان باید محافل یادبود برپا شود؛ اما بزرگداشت از کسی که قربانی اصلاحات سیاسی و اقتصادی گرباچوف شد و پس از جنایات بی‌شمار ناگزیر به ترک قدرت شد و حتا مسئول بخشی از فاجعه کنونی کشور است، نه تنها روا و معقول نیست که خیانت آشکار به مادروطن زخم خورده و خونین جگر است.

بررسی استراتژی‌های دودوم اخیر آمریکا در افغانستان

زهرا محمودی



بخش دوم
امضای پیمان استراتژیک میان افغانستان و آمریکا در سال ۲۰۱۲: توافقنامه استراتژیک میان افغانستان و آمریکا که در ماه می سال ۲۰۱۲ به امضا رسید. این توافقنامه تا پایان سال ۲۰۲۴ میلادی

(سال ۱۴۰۴ هجری شمسی) دارای اعتبار می‌باشد. مهمترین بخش این توافقنامه، شروع مذاکرات میان دو کشور جهت دستیابی به «موافقتنامه دوجانبه امنیتی» بود. مهم‌ترین اهداف افغانستان در امضای پیمان استراتژیک با ایالات متحده مواردی نظیر تثبیت موقعیت حکومت مرکزی و کاستن از نقش بازیگران مخرب خارجی و جذب سرمایه‌های خارجی و پیشبرد پروژه‌های زیربنایی مطرح شد. واگذاری مسئولیت نظامی به نیروهای افغان و خروج

تدریجی نیروهای آمریکایی از افغانستان: با گذشت زمان، اوپاما تصمیم به اعلام لزوم تقویت نیروهای افغان و خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از افغانستان گرفت. به همین دلیل، اوپاما در سال ۲۰۱۲، موضوع واگذاری مسئولیت نظامی به نیروهای افغان را اعلام کرد. اوپاما همچنین تأکید نمود تا پایان تابستان سال ۲۰۱۲، حدود ۳۳ هزار سرباز آمریکایی به وطن خود باز خواهند گشت. بر اساس این طرح، قرار بود تا پایان دوره ریاست جمهوری اوپاما در آمریکا (پایان سال ۲۰۱۶) تمام نیروهای آمریکایی به خانه‌های خود باز گردند. پس از چندی، اوپاما در دستوری اعلام کرد که براساس طرح جدید خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، تعداد ۹۸۰۰ نظامی تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی باقی خواهند ماند و در سال ۲۰۱۷ میلادی، این تعداد به ۵۵۰۰ نظامی کاهش خواهد یافت که در سفارت این کشور در کابل مستقر خواهند شد. پس از کش‌وقوس‌های فراوان میان کنگره و کاخ سفید، سرانجام اوپاما اعلام کرد که پس از سال ۲۰۱۶ میلادی، ۸۴۰۰ نظامی آمریکا در افغانستان باقی خواهند ماند.

ادامه ص ۳

اولویت بامورخ است یا اسناد تاریخی؟

یک گروه از مورخان به «اسناد تاریخی» تأکید می‌کنند. در این رویکرد مورخ باید بی طرف باشد. اسناد را راست آزمایی کند. در گزارش خود موازنه را رعایت کند. در این رویکرد، اثر گرایش مذهبی، قومی، ملی و نظریات شخصی مورخ در کار تدوین تاریخ به حد اقل می‌رسد. روایت مبتنی بر اسناد است. می‌توان این روش را «علمی» خواند. قواعد مشخص است. اگر مورخ «ب» کار مورخ «آ» که قبلاً انجام شده است؛ تکرار کند؛ اثر مشابه تولید خواهد شد چون هر دو به اسناد تکیه می‌کنند. به عبارت دیگر، سند محور است. در این رویکرد، من توسیدید- Thucydides- را نماینده‌ی بهتر می‌دانم. وی جنگ پلپونزی را که بین یونان و ایران بود بی طرفانه گزارش نمود. ملیت یونانی وی باعث نشد تا جانب یونان را بگیرد. توسیدید پدر تاریخ نویسی آکادمیک غربی است.

اما رویکرد دیگر هم است. می‌گویند واقعیت‌های تاریخی اصلاً وجود ندارد. آنچه واقعیت خوانده می‌شود؛ درک مورخ است که امری ذهنی می‌باشد نه واقعیت فیزیکی و قابل راست آزمایی. در این سبک ایده‌های مذهبی، سیاسی، شخصیت فردی مورخ نهایت اثر گذار است. می‌شود گفت: تاریخ این گروه از نویسندگان می‌نگارند؛ در واقع نظریات مؤلف است. در ذیل یک مثال از مورخان گروه دوم می‌آورم.

مورخان عرب و ایرانی حمله‌ی مغل‌ها بر ایران و سرزمین‌های اسلامی را نگاشتند اما «بی طرفی» را رعایت نکردند. عمدتاً، این آثار بازتاب دهنده‌ی افکارمذهبی، علایق سیاسی و قومی نویسندگان است؛ توجه‌ی چندانی به اسناد به عبارت دیگر آنچه رخ داد نداشتند. مورخان آنچه باید می‌شد یا باید نمی‌شد را برجسته کردند.

چند کتاب تاریخ، چند دهه، بعد از حمله‌ی چنگیز خان به ایران نگارش یافت. جامع التواریخ، تاریخ جهان گشا، تاریخ بناکتی، مجمع الانساب، تاریخ گزیده... همگی از ترور و وحشت سپاهیان مغل روایت کردند.

طبقات ناصری اثر منهای سراج جوزجانی، جامع التواریخ اثر خواجه رشید الدین فضل‌الله همدانی، تاریخ اوصاف اثر فضل‌الله بن عبدالله شیرازی و تاریخ جهان گشا اثر عطا الملک جوینی منابع اولیه تلقی می‌گردد. نویسندگان شخصاً شاهد حوادث بودند.

ادامه ص ۲



برای موفقیت باید از ۴ مرحله گذشت:

ابتداء مورد تمسخر واقع میشوی

سپس با خشونت به مخالفت پا تو

میپردازی،

و سرانجام به تو ایمان می آورند.

آرتور شاپنهاور

مذاکرات صلح افغانستان در ماه اسی از ابهام

در سبت ۲۰ روز از کشایش آغاز مذاکرات صلح افغانستان می گذرد، اما در این مدت پیشرفت خندان ملموس و قابل ملاحظه از این مذاکرات به عمل نیامده است. از ۲۰ ماده کار شوه مذاکرات صلح ۲ ماده آن از موارد اختلافی نشانی شده است که گروه طالبان آنها را به هیئت جمهوری اسلامی افغانستان پیشنهاد کرده است و روی علی شدن آنها سخت با فشاری می کند؛ بنابراین در این بنیاد منسی و اصل و مادر قرار دادن توافق نامه صلح آمریکا و طالبان برای پیشبرد مذاکرات صلح از موارد اختلافی می استند که در طرف مذاکره کننده تا هنوز به یک توافق نهایی نرسیده اند، بعد از بروز موارد اختلافی تا حالا چهار گزینه بدیل از سوی هیئت جمهوری اسلامی افغانستان به طالبان پیشنهاد و سپرده شده است، اما متأسفانه تا کنون مورد پذیرش و تأیید قرار نگرفته اند.

بجای طالبان بر ناحق بودن حق خود این مهم را آشکار می سازد که آن گروه در صدور تحمیل آجنهای از پیش تعیین شده اسی خود بر جانب هیئت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. مسلم است که در متن آجنهای فراهم شده از سوی طالبان، منافع ملی افغانستان و در بر تو آن تأمین صلح و ثبات عادلانه و پایدار منظور شده است، بلکه منافع ملی کشور با و حلقهات بیرونی که خلاف منافع ملی ما، حتی در تضاد با آن واقع شده است لحاظ گردیده است. جای تأمل و برریش است که گروه طالبان خود را فرزندان اصیل این بهر زمین و بر حق می خوانند و طرف مقابل را باطل می نماندند چرا فشاری روی خواسته های خود دارند و خاطر جلوگیری از سبکست احتمالی مذاکرات صلح حاضر نیستند حد اقلی انعطاف از خود نشان بدهند. در حالی که هیئت جمهوری اسلامی افغانستان به هر علت و دلیلی، در جریان مذاکرات صلح، گذشت و انعطافش از حد متعارف به جانب طالبان قابل شده است.

از سوی دیگر با آغاز مذاکرات صلح گروه طالبان نه تنها خشونت بار کاهش ندادند که در عملیات های جنگی آنها افزایش قابل ملاحظه دیده می شود، همین اکنون ۲۴ ولایت کشور زیر آماج حملات طالبان قرار دارند، آنچه گفته شد این را میسر سازد که گروه طالبان به تأمین صلح و ثبات در کشور باور ندارند و منافع خود را در ادامه جنگ و گشای مردم جستجو می کنند.

جذب حرکت اسلامی متحد افغانستان به عنوان یک جریان سیاسی معتدل، قطعاً ادامه خون ریزی و خشونت را به نفع مردم، حامع و حتی کشور های پیرامون افغانستان نمی داند و همین تالک بر ادامه روند مذاکرات صلح از گروه طالبان جدا تقاضا دارد تا، رویه دشمن خود و پشت به وطن نکنند و اجازه ندهند فرصت پیش آمده به بن بست کشیدن مذاکرات صلح از کف برود، اگر خود را مسلمان، افغانی و فرزندان اصیل این کشور میدانند.

در صورتی که مدنه اصلی پروژه صلح افغانستان آسیب ببیند، پایدهای ناشاد آن متوجه کسانی است که این پروژه ملی را عمدی و غیر عمدی به بن بست کشانده اند.

«ایران و روسیه برای تولید واکسن روسی کرونا، همکاری می کنند»

سفیر ایران در روسیه گفته دو کشور در حال مذاکره برای تولید مشترک واکسن ضدکرونا اسپوتنیک ۵ هستند. صندوق سرمایه گذاری روسیه از ابراز نظر درباره این خبر خودداری کرده است.

کاظم جلالی سفیر ایران در روسیه روز جمعه ۲۵ سپتامبر به خبرنگارهای روسی گفته است که بالاترین مقامات دولتی این دو کشور در حال مذاکره برای تولید مشترک واکسن کرونا هستند.

سفیر ایران در روسیه گفته است: «ما در حال انجام مذاکرات هستیم. من با رییس صندوق سرمایه گذاری مستقیم روسیه RDIF صحبت کردم، مقامات ما بارها با یکدیگر تبادل نظر کرده اند و ما اعلام کرده ایم که آماده همکاری هستیم.»

به گفته جلالی ایران در دو یا سه زمینه برای همکاری اعلام آمادگی کرده است که شامل همکاری در تولید با روسیه است. او گفته ایران پتانسیل بزرگی برای تولید واکسن دارد. صندوق سرمایه گذاری مستقیم روسیه از نظر دادن درباره مذاکرات با ایران خودداری کرده است. این صندوق در هفته های اخیر معاملات متعددی برای عرضه این واکسن در خارج از روسیه انجام داده است.

واکسن اسپوتنیک ۵ اخیراً در مقیاس بسیار وسیعی در مسکو مورد آزمایش قرار گرفته است.

صندوق سرمایه گذاری مستقیم روسیه گفته در حال گفت وگو با تعدادی از کشورها درباره امکان تولید واکسن روسی اسپوتنیک ۵ در خارج از کشور است و با کشور هند برای تولید ۳۰۰ میلیون دوز از این واکسن یک قرارداد امضا کرده است.

توافق برای انجام معامله با قزاقستان و نیز دو استان در برزیل و شرکت های خصوصی دارویی در هند و مکزیک نیز

اولویت با مورخ است یا اسناد تاریخی؟

مسئولیت خسارات جنگ را متوجه خوارزم شاهیان می سازد؛ تجار مغل را کشتند. در این روایت - شاه مقتول خوارزم شاه - نیروی شریک و قوای چنگیز خان که با جنگ عدالت را اجراء کرده است؛ نیروی خیر است. او شرح می دهد چگونه خان مغل در ابتداء هدایایی به شاه ایران فرستاد و از روابط حسنه بین دو دولت سخن زده بود.

رشید الدین فضل الله، الشیرازی و جوینی سه مورخ حامی مغل ها هستند. در متون خویش زمانی از قتل و ویرانگری روایت کرده اند که ترس آور باشند. وگرنه، ستایش خانان بود و بس.

بنابراین، آنچه شما در باره حمله مغل ها و حکومت داران آن در کتب مورخان عرب و ایرانی خوانده اید؛ نظر نویسندگان است نه واقعیت تاریخی.

.....

نکته:

عنوان ذیل پایان نامه ی دانشجوی دکتری تاریخ در آمریکا است. من اثر او را خواندم و مطالب که اشاره به مورخان مسلمان و آثار آن دارد؛ از پایان نامه ی دکتری دکتر رضای ایرانی نقل می کنم.

اما سه اثر آخر یک مشترک مهم دارند: جانب دار اند. تاریخ اوصاف از نظر زمانی متأخر می باشد. تاریخ جهانگشا و جامع التواریخ در دربار نگارش یافت و مولفان صاحب مناصبان مهم نیز بودند. اما طبقات ناصری بیرون از دربار تدوین گردید. از منظر آکادمیک در غرب، جنبه ی منفی این آثار در «جانب دار» بودن شان است. بعضی از مورخان خانان مغل و امرای ارتش را بسیار مدح کردند. همچنین، با بزرگنمایی کشته شدگان می خواستند در دل رعیت رعب و وحشت مستولی سازند تا زمینه اطاعت سهل آنها را فراهم کنند و مردم را از مقاومت بر حذر دارند. از تعداد جان باختگان جنگ ارقام مشخص ندادند. لذا، دشوار است تا میزان فجایع را مشخص نمود.

همه ی آثار که متأخران در باره ی حمله ی مغل بر ایران نوشته اند؛ بر همان آثار محدود اولیه، که در فوق ذکر گردید متکی اند. نویسندگان بعدی کپی کردند و کمی از خود افزودند. با وجود که در کتب تاریخی اولیه شرح از خسارت مالی و جانی نیست اما حبیب السیر اثر غیاث الدین خواندمیر حوادث را تفصیل داده است! بعضی از این مورخین -در کنار مغل ها بودند- از موضع فاتح سخن می زدند. مثلاً، خواجه رشید الدین فضل الله در جامع التواریخ اقدام چنگیزخان در حمله به ایران را اقدام مشروع می داند.



بررسی استراتژی های دودهمه اخیر آمریکا در افغانستان

زهرا محمودی



۴ - پیگیری مذاکرات صلح با طالبان:

با اعلام ضرورت واگذاری مسئولیت نبرد از نیروهای آمریکایی به نیروهای افغان، جنگ برای آمریکا در میدان نبرد پایان یافته حساب می‌شد، اما جنگ دولت افغانستان و طالبان وارد مرحله جدیدی شد. لذا کاخ سفید به فکر پایان دادن جنگ از راه گفت‌وگو افتاد و چرخش در رویکرد کاخ سفید در قالب اتخاذ رویکرد مصالحه با طالبان و پایان جنگ از طریق مذاکره شکل گرفت. آمریکا اعتراف کرد که طالبان را نمی‌توان از راه نظامی شکست داد و باید با آنها به نوعی معامله و توافق برای پایان دادن به خشونت‌ها دست یافت. البته اولین ملاقات رو در رو بین مقامات آمریکایی و نمایندگان طالبان ۲۸ ماه نوامبر ۲۰۱۰ در روستایی در حومه شهر مونیخ در آلمان انجام شد. ریاست این جلسات بر عهده دیپلمات‌های آلمانی بوده و نمایندگان از سوی دولت قطر به درخواست طالبان در این جلسه حضور داشتند. دور دوم مذاکرات نیز ۱۵ فوریه

۲۰۱۰ در دوحه قطر برگزار شد. سومین دور مذاکرات روزهای ۷ و ۸ ماه مه ۲۰۱۰ در شهر مونیخ انجام شد. افراد و هیئت‌های نمایندگی شرکت‌کننده در هر سه دوره مذاکرات یکسان بود و هدف گفت‌وگوها ایجاد فضای اعتماد بین آمریکا و طالبان جهت لغو تحریم و مجازات‌های آمریکا علیه طالبان، آزاد کردن زندانیان طالبان، گشایش دفتر جنبش طالبان بود.

استراتژی دولت اوباما در قبال افغانستان در چهارسال دوم ریاست جمهوری او شامل موافقت اوباما با گشایش دفتر طالبان در قطر، امضای پیمان امنیتی کابل - واشنگتن و کشتن ملاختر منصور است:

۱ - موافقت اوباما با گشایش دفتر طالبان در قطر: پس از اینکه تمایل کاخ سفید جهت مذاکره با طالبان مشخص شد، طالبان با چراغ سبز آمریکا دفتری را برای آغاز مذاکرات صلح در دوحه در اوت ۲۰۱۳ (خرداد ۱۳۹۲) تأسیس کردند. بارک اوباما، گشایش دفتر طالبان در قطر را گام نخست برای صلح خواند اما تأکید کرد طالبان هم زمان باید قانون اساسی افغانستان را بپذیرند، با القاعده قطع رابطه نمایند، از خشونت دست بکشند و به حقوق اقلیت‌ها و حقوق بشر احترام بگذارند. طالبان با اعلام اینکه ایالات متحده، کرسی را در روی کار آمدن پس از عملیات نظامی به منظور سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی کابل حمایت کرده است، از مذاکرات مستقیم با کرسی سر باز زدند. با این وجود، حامد کرزی با توجه به خروج نیروهای آمریکایی تحت رهبری ناتو تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی از افغانستان، به پیشنهاد افتتاح دفتر طالبان در دوحه تمایل نشان داد. اما زمانی که طالبان تابلوی «امارت اسلامی افغانستان» و پرچم خود را بر فراز ساختمان دفتر برافراشت، با واکنش تند دولت افغانستان مواجه شد. کرسی که نحوه استقرار این «دفتر» را نشانه اقدام طالبان برای معرفی خود به عنوان نماینده کشور افغانستان تلقی می‌کرد، این اقدام را محکوم کرد و تأکید نمود که هر گونه مذاکره صلح باید به رهبری و تحت نظر کامل دولت کابل برگزار شود و بایستی از ایجاد این شاخه که طالبان و ایالات متحده طرف‌های اصلی گفت‌وگو هستند به شدت جلوگیری شود.

۲ - امضای پیمان امنیتی کابل - واشنگتن: همان گونه که در مفاد «توافقنامه استراتژیک» میان افغانستان و آمریکا در سال ۲۰۱۲ مورد تأکید قرار گرفته بود،

امضای پیمان امنیتی کابل - واشنگتن بایستی هر چه سریع‌تر توسط کرسی صورت می‌پذیرفت. حامد کرزی از امضای این پیمان امنیتی به دلیل وجود معضلاتی نظیر: قصور آمریکا در توسعه اقتصادی افغانستان و تشویق طالبان به مذاکرات صلح با دولت افغانستان، کشتار افغان‌های بی‌گناه توسط نیروهای خارجی، مسئله مصونیت سربازان آمریکایی و عدم توجه آمریکا به نقش پاکستان در حمایت از طالبان و شبکه حقانی و ... استنکاف ورزید. باراک اوباما در مقابل این موضع کرسی، تهدید کرد که نیروهای آمریکا را کاملاً از افغانستان خارج خواهد نمود. کرسی امضای پیمان امنیتی را منوط به تصویب آن در لویه جرگه کرد. اما پس از اعلام نظر مساعد لویه جرگه مجدداً از امضای آن امتناع ورزید. اوباما با طرح لزوم امضای قرارداد امنیتی، شرط حضور نیروهای نظامی کشور خود را در افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ را امضای توافقنامه امنیتی واشنگتن - کابل توسط «دولت جدید» افغانستان مطرح نمود. پس از تشکیل دولت وحدت ملی در افغانستان، توافق نامه امنیتی واشنگتن - کابل نیز در اوت ۲۰۱۴ به امضای دولت جدید افغانستان رسید. محور این توافق نامه، اعطای مصونیت قضایی به سربازان آمریکایی و حضور ۱۰ هزار نیروی نظامی آمریکا در ۹ پایگاه نظامی اعطایی به آمریکا در کابل، بگرام، مزارشریف، جلال‌آباد، گردیز، قندهار، هلمند، شیندند و هرات بود.

۳ - کشتن ملا اختر منصور، رهبر وقت طالبان افغانستان: در سال ۲۰۱۶ با اعلام خبر کشته شدن ملا اختر منصور - رهبر طالبان - اوباما تأکید کرد که کشته شدن ملا اختر منصور، یک نقطه عطف برای برقراری صلح و ثبات در افغانستان است. اوباما گفت آمریکا رهبر طالبان را که به طرح حملات علیه نیروهای این کشور و ائتلاف در افغانستان ادامه می‌داد و در صف گروه‌های تندرو مانند القاعده، قرار گرفته بود، کشته است. آمریکا معتقد بود ملا اختر محمد منصور همواره از حضور و اشتراک نظر رهبران طالبان در مذاکرات صلح جلوگیری می‌کرد. برخلاف وعده‌های اوباما در خصوص خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، او برنامه‌ای برای خروج همه نیروها در آینده نزدیک ارائه نکرد و این تصمیم را به رئیس جمهور بعدی آمریکا واگذار کرد. در حقیقت، مقامات ارشد نظامی آمریکا به این نتیجه رسیدند که کاهش نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان و گزینه خروج از

این کشور در راستای منافع واشنگتن نیست. به همین دلیل، آمریکایی‌ها از گزینه خروج کامل از افغانستان عقب نشینی کردند و ادامه حضور آنها را در لویت قرار دادند.

۱ - ۳ استراتژی دونالد ترامپ در قبال افغانستان

استراتژی جدید آمریکا در قبال افغانستان، در ۲۱ اوت ۲۰۱۷ از سوی دونالد ترامپ اعلام شد. مهمترین فاکتورهایی که ترامپ در استراتژی دولت خود را در قبال افغانستان اعلام نمود عبارتند از: ادامه حضور نیروهای آمریکایی و افزایش تعداد آنها در افغانستان، افزایش حیطه اختیارات مقامات آمریکایی در حمله به طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان، ضرورت حضور طالبان در پای میز مذاکرات، تقویت نیروهای امنیتی افغانستان، تأکید بر مبارزه دولت افغانستان با فساد و انجام اصلاحات، عدم دخالت آمریکا در فرآیند دولت - ملت سازی در افغانستان در چارچوب ضرورت توانایی رهبران این کشور برای پیشبرد این روند بدون دخالت آمریکا، انتقاد صریح از نقش دوگانه پاکستان در ارتباط اسلام آباد با گروه‌های تروریستی و درخواست از هند برای ایفای نقش بیشتر در افغانستان.

ترامپ در استراتژی دولت خود، خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان که سیاست انتخاب شده اوباما بود را اشتباه خواند و تأکید کرد: ما برای خارج شدن از افغانستان زمان تعیین نمی‌کنیم؛ ما رفت و آمد خود را به دشمن اعلام نمی‌کنیم. ترامپ خروج از افغانستان را مبتنی بر شرایط اعلام کرد و نه مبتنی بر زمان. ترامپ اظهار داشت ما تا وقتی در افغانستان می‌مانیم که القاعده و داعش نابود شود. به طالبان اجازه نمی‌دهیم به قدرت برسند و افغانستان را لانه گروه‌های تروریستی برضد ایالات متحده کنند. از دیگر سیاست‌های اعلام شده توسط ترامپ تقویت نیروهای امنیتی افغانستان بود. او تأکید کرد که ما نیروهای امنیتی افغانستان را تا جایی تقویت می‌کنیم که بتوانند از امنیت و صلح در کشور خود محافظت کنند. ترامپ تأکید کرد که ما برای افغانستان چک سفید امضا نمی‌کنیم؛ یعنی حمایت‌ها شامل زمان می‌شود و نیز دارای شرایطی است. یکی از شرایطی که ترامپ مانند اسلاف خود بدان تصریح کرد مبارزه دولت افغانستان با فساد و انجام اصلاحات است. ترامپ، در استراتژی خود مشخص کرد که حضور نیروهای آمریکا در افغانستان برای جنگ و شکست دشمنان است و

کاری به برنامه دولت - ملت‌سازی ندارد. به همین دلیل او بیان کرد که مردم افغانستان خود تصمیم می‌گیرند که چگونه زندگی کنند؛ ما چیزی را به آن‌ها تحمیل نمی‌کنیم. در حالی که جورج دبلیو بوش و اوباما روی این برنامه و نیز تحقق دموکراسی اصرار می‌کردند؛ اما ترامپ هیچ اشاره‌ای به ساختار حکومت و نیز دموکراسی در افغانستان نکرد. از مهم‌ترین مواردی که ترامپ برخلاف اسلاف خود با صراحت بیشتری بدان پرداخت، پاکستان است؛ ترامپ به صراحت بیان کرد که ما میلیاردها دلار به پاکستان کمک کردیم؛ اما این کشور به گروه‌هایی پناه می‌دهد که برای کشتن سربازان ما برنامه‌ریزی می‌کنند. ترامپ، ضمن ستایش از همکاری‌های هند با آمریکا در افغانستان، خواستار نقش بیشتر هند در افغانستان شد.

با گذشت زمان و بن‌بست نظامی به وجود آمده در افغانستان، دولت ترامپ در جولای ۲۰۱۸ دستور آغاز مذاکرات مستقیم با طالبان را بدون حضور دولت افغانستان صادر کرد. این اقدام یک چرخش قابل توجه در سیاست آمریکا به حساب می‌آید؛ سیاستی که پیش از این مبتنی بر حمایت از یک روند صلح به رهبری و با مالکیت خود افغان‌ها بود. در واقع ترامپ درصد برآمد آن بخشی از طالبان به اصطلاح میانه‌رو، که منافع خود را در چارچوب مشارکت در فرآیند صلح و مذاکره با دولت می‌بینند، با برنامه دولت خود همگام سازد اما با گروهی از طالبان که بر ادامه مبارزه با نیروهای آمریکایی تأکید می‌کنند، مقابله کند. این مقابله هم به شکل مستقیم و از طریق حملات نیروهای آمریکایی صورت گرفت و هم به شکل غیرمستقیم و از طریق حمایت از داعش و فشار بر پاکستان جهت عدم حمایت از طالبان مخالف مذاکره پیش گرفته شد. در ادامه و در سپتامبر ۲۰۱۸، مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا، زلمی خلیل‌زاد سفیر سابق این کشور در افغانستان را به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امور صلح افغانستان منصوب کرد. از آن زمان به بعد، خلیل‌زاد ملاقات‌های متعددی با نمایندگان طالبان با هدف امضای توافقنامه صلح داشت و در نهایت در زمستان ۱۳۹۸ توافقنامه صلح مذکور به امضای طرفین رسید.

ادامه دارد



الگوی انسان کامل از دید حضرت علی (ع)

آن کس که در عیب خود بنگرد، از عیب جویی دیگران باز ماند، و کسیکه به روزی خدا خشنود باشد، بر آنچه از دست رود اندوهگین نباشد، و هر کسی که شمشیر ستم برکشد با آن کشته شود، و آن کس که درکارها خود را به رنج اندازد خود را هلاک سازد، و هر کس خود را در گرداب های بلا افکند غرق گردد، و هر کس به جاهای بدنم قدم گذاشت متهم گردید. و کسی که زیاد سخن گوید زیاد هم اشتباه دارد و هر کس که بسیار اشتباه کرد، شرم و حیا او اندک است، و آن که شرم و حیا او اندک است، پرهیزکاری او نیز اندک خواهد بود و کسی که پرهیزکاری او اندک باشد دلش مرده، و آن که دلش مرده باشد در آتش جهنم سقوط خواهد کرد. و آن کس که زشتی های مردم را بنگرد و آن رازشست بشمارد، سپس همان زشتی ها را مرتکب می شود، پس او احمق واقعی است. قناعت مالی است که پایان نیابد، و آن کسی که فراوان به یاد مرگ باشد در دنیا به اندک چیزی خشنود است، و هر کس بداند که گفتار او نیز از اعمال او محسوب می شود جز به ضرورت سخن نگوید.

منبع: نهج البلاغه

امام علی علیه السلام فرمودند: «لا ینبغی للمرء المسلم ان یواخی الفاجر فانه یرین له فعله ویحب ان یکون مثله ولا یعینه علی امر دنیا ولا امر معاده ومدخله الیه ومخرجه من عنده شین علیه شایسته نیست که یک انسان مسلمان با فرد فاجر [و تبهکار] رابطه برادرانه برقرار کند، زیرا او عمل و رفتار خود را برایش زینت می دهد و دوست دارد که او هم به مانند خودش شود و او را نه در امر دنیا و نه در امر آخرتش یاری نمی کند و رفت و آمدش برای او ننگ است.»

همچنین فرمودند: «ومن لم ینفعه الله بالبلاء والتجارب لم ینتفع بشیء من العظة کسی را که خداوند بوسیله گرفتاری ها و تجربه ها سود نرساند، از هیچ گونه موعظه ای بهره مند نخواهد شد.»
امام علی (سلام الله علیه): هیچ گنهکاری را [از رحمت خدا] نا امید مکن. چه بسا گناه آلوده ای که عاقبت به خیر شد.
ناامید کردن دیگران از رحمت واسعه خداوند متعال امر ناشایستی است و هیچ کس حق ندارد امید کسی را از او بگیرد حتی اگر غرق در دریای گناه باشد، چرا که با امید به رحمت خداوند متعال ممکن است توبه کند و پیرایه ها از خود بزاید. پس در مقام نصیحت باید مواظب بود که امید دیگران را به یأس بدل نکنیم.

تحف العقول - ص ۱۰۰ میزان الحکمة - ج ۶ - ص ۱۷۸ - ح ۱۰۳۳۳

زندگی نامه شهید غلام عباس پایدار



شهید غلام عباس پایدار
یک تن از فرماندهان
شجاع، توانمند و باتدبیر
بودند که بعد از فراگیری
آموزش های نظامی به
مطور دفاع از وطن
در برابر اشغال گران
شوروی وقت در

صفوف مجاهدین حزب حرکت اسلامی فعالیت می کردند.

او فرمانده جهور و نامدار بود که در خط دفاع از وطن قرار داشت و مسوولانه انجام وظیفه می نمود
فرمانده شهید پایدار بعد از پیروزی مجاهدین در کابل و بخصوص در قطعه اسکار و فعالیت های چشم گیری
داشتند.

سهر انجام این فرمانده با ادیت در اثر توطئه خائنان دشمنان دو سبت غایب تاریخ ۸ میزان سال ۱۳۷۳ با
جمعی از مجاهدین دیگر حزب حرکت اسلامی به درجه رفیع شهادت نایل شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد

تناقض بزرگ

بعضی مسایل را درک نمی توانم ممکن شما کمکم کنید. در این مرحله حساس و تاریخی که سرنوشت یک ملت و یک سرزمین به نام افغانستان زیر تهدید بی پیشینه قرار گرفته، ببینید چه اتفاق می افتد:

- کاخ سفید مشغول رای زنی با شرکای استراتژیکش در مورد آینده افغانستان و به ویژه مذاکرات با طالبان است تا بتواند در بازی های داخلی و سیاست خارجی از آن سود جوید. ترامپ و بایدن عملاً در این میدان می جنگند.
- ناتو در جدال شکست و تهدید در عملیات بزرگ و تاریخی اش در افغانستان با اعضای خود چانه زنی می کند.
- استراتژیست های اروپایی در فکر پیوند امنیتی نظام سیاسی آینده افغانستان با خیابان های اروپایی هستند.
- طالبان در دوحه، مسکو و تهران مجدانه در فکر اجندای مذاکرات و راه های رسیدن به قدرت هستند.
- هند، روسیه و چین تمام نیرو خود را برای کنترل جغرافیای ما به کار بسته اند.
- پاکستان با وجود جدال سیاسی با سعودی تلاش دارد تا نظارت بر طالبان و هژمونی استراتژیک را بر آن ها از دست ندهد.
- ایران صراحتاً از پیوند خود با طالبان به عنوان بازیگر اوضاع در امروز و آینده افغانستان سخن می گوید.
- اما در میدان سیاسی افغانستان چه می گذرد:
- آقای رئیس جمهور برای استقلال در زیر بمبارد موشک های طالبان گل گذاری می کند.
- رزمایشات نظامی در مرز افغانستان توسط ارتش راه اندازی می شود. در همین روز ناتو روی ادامه ی حمایت های جنگی به نظام سیاسی افغانستان بحث می کند.
- آقای رئیس جمهور با جوانان در باره ی «ایجاد و ابتکار» ملاقات می کند.
- آقای رئیس جمهور با بزرگان، سرمایه داران و چهره های تکراری ملاقات های بی نتیجه و بی پایه های احساساتی دایر می کند.
- در محوطه ی آقای عبدالله هم همه چیز برقرار است. لباس های قشنگ، موتر های تمیز و ملاقات های پررنگ در جریان است.
- در وزارت خارجه هم گویی همه چیز برقرار است در حدی که جناب وزیر به فکر اصلاحات اداری افتاده است.
- سفرای افغانستان با شخصیت های سیاسی عکس های یادگاری و خبر های فلمی پخش می کنند و پیام های تریکی به زبان های پشتو، فارسی، ازبکی و انگلیسی پخش می کنند.
- من هرکاری کردم نتوانستم این تناقض بزرگ را درک کنم.

